

نوشتاری بودن زبان قرآن

در مقایسه با شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری*

- محمد مهدی آجیلیان مافوق^۱
- عباس اسماعیلی‌زاده^۲
- سید کاظم طباطبائی پور^۳

چکیده

در این مقاله، ویژگی‌های زبان قرآن با شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری مقایسه و انگاره گفتاری بودن زبان قرآن بررسی و ارزیابی شده است. نگارندگان مقاله، بر خلاف دیدگاه معتقدان به گفتاری بودن زبان قرآن که با انطباق بسیاری از ویژگی‌های سبکی و اسلوبی متعلق به زبان گفتار، مانند تکرار، التفات، عدم تناسب، تنوع موضوعی و غیره بر زبان قرآن، زبان این کتاب آسمانی را گفتاری می‌دانند، معتقدند برای داوری درباره گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، باید فرایند شکل‌گیری و تولید متن قرآن را بررسی کرد. نگارندگان در این مقاله، با بررسی شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری و مقایسه آن‌ها با

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۳۱.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (majilian66@gmail.com).

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (esmaelizadeh@um.ac.ir).

۳. استاد دانشگاه فردوسی مشهد (tabatabaei@um.ac.ir).

ویژگی‌های زبان قرآن، روشن ساخته‌اند که ویژگی‌های زبان قرآن با شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری انطباقی ندارد و قرآن کریم در دیسکورسی نوشتاری شکل گرفته است، بنابراین زبان آن نیز نوشتاری است.

واژگان کلیدی: زبان قرآن، گفتاری بودن زبان قرآن، نوشتاری بودن زبان قرآن، دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری.

بیان مسئله

درباره گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، دو نظریه وجود دارد: ۱. گفتاری بودن زبان قرآن؛ ۲. نوشتاری بودن زبان قرآن. نظریه سوم قابل تصور، جمع دو نظریه پیشین، یعنی هم گفتاری و هم نوشتاری بودن زبان قرآن است که البته نظریه اخیر، با توجه به قابل جمع نبودن یا مستلزم تناقض یا تعارض بودن شاخصه‌ها و ویژگی‌های زبان گفتار و نوشتار در مورد قرآن، به نظر منتفی می‌رسد. علاوه بر سه نظریه یادشده درباره گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، دو حالت دیگر قابل تصور است: ۱. زبان گفتاری قرآن در فضای نوشتار، به اراده پدیدآورنده متن (خداوند) و توسط پیامبر ﷺ بازطراحی و به متن تبدیل شده است؛ یعنی از گفتار به نوشتار تغییر ماهیت داده است. روشن است که این فرض خارج از موضوع بحث است؛ زیرا نتیجه آن نوشتاری بودن مصحف کنونی در اختیار مسلمانان (قرآن) است؛ ۲. اینکه منظور از تبدیل زبان قرآن از گفتار به نوشتار، مکتوب شدن آن در مصحف باشد. پر واضح است که این فرض نیز خارج از موضوع بحث و منتفی است؛ زیرا در این حالت، زبان قرآن تغییری نکرده و تنها مکتوب شده است، پس زبان قرآن گفتاری است. بر این اساس، بازگشت هر یک از دو فرض یادشده، به گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن است.^۱

پیشینه موضوع گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، به نیمه دوم سده بیستم میلادی برمی‌گردد؛ دوره‌ای که در آن با پیدایش نظریات جدید در عرصه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی، نظریه گفتاری بودن وحی (قرآن) مطرح شد و پس از آن در آثار

۱. گفتنی است که منظور از گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، داشتن ویژگی‌های سبکی و اسلوبی متعلق به زبان گفتار یا نوشتار نیست، بلکه اصالت متن ملاک است. اینکه متن اصالتاً گفتار بوده یا نوشتار. بنابراین منظور از گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، گفتاربودگی یا نوشتاربودگی قرآن است.

متعدد مورد بررسی قرار گرفت. صرف نظر از این پیشینه که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، در چالش میان معتقدان به هر یک از دو نظریه، ادله‌ای مطرح شد که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود. بر اساس احصاء نویسندگان این مقاله در آثار مؤلفان ایرانی، مهم‌ترین ادله دیدگاه گفتاری بودن زبان قرآن عبارت‌اند از:

- نبودن سبک نوشتار در عصر نزول و امی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و عرب عصر نزول (نکونام، ۱۳۷۹: ش ۱۲/۳-۱۵).

- وجود قرائن حالی و مقامی مربوط به بافت موقعیتی در گفتار (همان: ش ۲۲/۳، ۲۴ و ۲۸؛ معرفت، ۱۳۹۰: ۸۹/۱ و ۹۳).

- وجود جملات معترضه و عدم وجود تناسب سیاقی کلام در گفتار (نکونام، ۱۳۷۹: ش ۲۳/۳ و ۲۸؛ معرفت، ۱۳۹۰: ۹۲/۱).

- وجود برخی کارکردهای زبانی در گفتار؛ مانند التفات، تغییر ناگهانی موضوع (معرفت، ۱۳۹۰: ۸۹/۱).

- قرائن موجود در موقعیت ایراد کلام و معهود مخاطبان (همان: ۹۲/۱؛ نکونام، ۱۳۷۹: ش ۲۴/۳ و ۲۹).

- تنوع موضوعی فراوان در گفتار بر خلاف وحدت موضوعی در نوشتار (معرفت، ۱۴۲۳: ۴۲۱؛ همچنین ر.ک: زمانی، ۱۳۸۵: ۳۲۹؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۲).

- استفاده از ویژگی‌های خطابه و گونه‌های مختلف بیان در گفتار (نکونام، ۱۳۷۹: ش ۳۵/۳؛ زمانی، ۱۳۸۵: ۳۲۸).

- تکرارهای مشابه و متفاوت (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۳۰).

- کوتاهی سخن در گفتار (همان: ۳۲۸).

روشن است که عمده‌ترین بخش استدلال معتقدان به گفتاری بودن زبان قرآن، پرداختن به ویژگی‌های سبکی و اسلوبی متعلق به زبان گفتار و رهگیری و جستجوی این ویژگی‌ها نسبت به زبان قرآن است. بر این اساس، وجود ویژگی‌های سبکی و اسلوبی متعلق به زبان گفتار در قرآن، مساوی با اثبات گفتاری بودن زبان این کتاب آسمانی تلقی شده است. صرف نظر از نکته یادشده، به نظر می‌رسد وجود پاره‌ای از قرائن فهم آیات که در متن قرآن نیامده‌اند و از آن به قرائن حال و مقام تعبیر می‌شود،

مهم‌ترین دلیل دیدگاه گفتاری بودن زبان قرآن باشد؛ چنان که از این منظر، غفلت از قرائن حالی و مقامی در فهم آیات، علت دشوار شدن فهم کامل و صحیح آیات قرآن دانسته می‌شود (نکونام، ۱۳۷۹: ش ۲۱/۳).

در مقابل ادله‌ی یادشده، معتقدان به نوشتاری بودن زبان قرآن، این کتاب آسمانی را در رساندن دلالت و پیام خود مستقل می‌دانند و بدون ارائه‌ی دلیلی اثباتی بر مدعای خود، بیشتر با رد یا توجیه ویژگی‌های زبان گفتار نسبت به قرآن، ضمن نقد نظریه‌ی نخست، زبان قرآن را نوشتاری می‌دانند (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۹: ش ۱۹۱/۴-۱۹۸). در مجموع براینند نقد گفتاری بودن زبان قرآن، اعتقاد به نوشتاری بودن زبان این کتاب آسمانی است.

صرف‌نظر از نقد و بررسی ادله‌ی اثباتی و سلبی^۱ هر یک از دو رویکرد،^۲ نوشتار حاضر در صدد است از منظری دیگر، موضوع گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن را مورد تحلیل قرار دهد و ضمن ارائه‌ی پاسخی حلی در داوری میان دو نظریه‌ی یادشده، روشن سازد که کدام یک از این دو نظریه درست است. از منظر این پژوهش، برخلاف دیدگاه معتقدان به گفتاری بودن زبان قرآن که با جستجو و رهگیری ویژگی‌های سبکی و اسلوبی متعلق به زبان گفتار نسبت به زبان قرآن (مانند تکرار، التفات، عدم تناسب، تنوع موضوعی، قرائن حالی و مقامی، قرائن معهود ذهن مخاطبان و...)، در صدد تحلیل زبان قرآن برمی‌آیند، برای داوری درباره‌ی گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، باید فرایند شکل‌گیری و تولید متن و به تعبیر دیگر، دیسکورس متنی قرآن بررسی شود. از این منظر، روشن‌سازی این نکته ضروری است که قرآن کریم متعلق به کدام نوع از انواع دیسکورس است و در چه فرایندی شکل گرفته و تولید شده است؛ دیسکورس گفتاری و یا دیسکورس نوشتاری.

۱. گفتمانی است که ادله‌ی گفتاری بودن زبان قرآن، منحصر در ادله‌ی یادشده در آثار مؤلفان ایرانی نیست و در آثار متفکران عرب‌زبان که طرح‌کنندگان نخستین این نظریه در جهان اسلام به شمار می‌آیند، دلایل دیگری نیز بیان شده است که در این نوشتار، از آنجا که تمرکز بر دلایل نویسندگان ایرانی بوده، همچنین قصد نقد دلایل گفتاری بودن زبان قرآن وجود نداشته است، از اشاره به آن دلایل خودداری شده است.
۲. گفتمانی است که بررسی موردی مثال‌های یادشده در اثبات گفتاری بودن زبان قرآن، پژوهشی مستقل می‌طلبد و نگارندگان در این مقاله، قصد ورود به این حوزه را ندارند، اگرچه در پژوهشی مستقل به آن‌ها پرداخته‌اند.

برای پاسخ به مسئله یادشده در این مقاله، پس از بیان پیشینه موضوع، دیسکورس تعریف و انواع آن بیان می‌شود، سپس ضمن بیان شاخصه‌ها و ویژگی‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری، ویژگی‌های زبان قرآن با هر یک از این شاخصه‌ها مقایسه می‌شود.

پیشینه

به طور خاص و در میان رویکردهای نظریه‌پردازان اسلامی، ظاهراً محمد ارکون نخستین کسی است که در کتاب «خوانش قرآن»^۱ که در سال ۱۹۸۲ م. به چاپ رسید، نظریه گفتاری بودن قرآن را طرح کرد (ر.ک: خلجی، نقد آقای محسن آرمین و پاسخ آقای مهدی خلجی). از منظر ارکون، «قرآن بیش از آنکه یک متن باشد، یک گفتار بوده و هنوز هم هست؛ اما گفتاری که توسط پیامبر بیان شده، با گفتار فرد مؤمنی که آن را در شکل آوایی و نوشتاری دقیقاً ثابتی تکرار می‌کند، دارای پایگاه زبان‌شناسی واحدی نمی‌باشد» (ارکون، ۱۳۶۹: ۱۰۰). گفتنی است که وی در کتاب *الفکر الاسلامی؛ نقد و اجتهاد*، به طرح دوباره این موضوع پرداخته است (ر.ک: همو، ۲۰۰۹: ۷۷-۱۰۷). به دنبال ارکون، دیگرانی از متفکران عربی و اسلامی نیز بر اهمیت این موضوع تأکید کرده‌اند؛ از جمله نصر حامد ابوزید که در واپسین کتابش که البته پس از مرگ او به چاپ رسید، در مقاله‌ای با عنوان «از متن به گفتار»، به طرح این نظریه می‌پردازد (ابوزید، ۲۰۱۰: ۲۱۲-۲۴۱).

در ایران، پیشینه این موضوع به مقاله‌ای با عنوان «زبان قرآن؛ گفتاری یا نوشتاری» اثر جعفر نکونام (۱۳۷۹: ش ۳) برمی‌گردد که اندکی پس از انتشار، در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر نظریه گفتاری بودن زبان قرآن» توسط سیدمحمدعلی ایازی (۱۳۷۹: ش ۴) مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. این نقدها نیز توسط نویسنده مقاله اول، در مقاله‌ای با عنوان «پاسخ نقدی بر مقاله زبان قرآن گفتاری یا نوشتاری» (نکونام، ۱۳۷۹: ش ۵-۶) پاسخ داده می‌شود. علاوه بر این، موضوع یادشده در آثار دیگری مانند *شبهات و ردود*،

1. Lecture du Coran.

التفسیر الاثری الجامع اثر محمد هادی معرفت، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن اثر جعفر نکونام، مستشرقان و قرآن اثر محمد حسن زمانی، درآمدی بر معناشناسی قرآن اثر عبدالرحیم خلف مراد... مطرح شده است که البته این آثار از مقالات سه‌گانه یاد شده متأخرند. شاید هم‌زمان یا کمی دیرتر از مقالات سه‌گانه یاد شده، با انتشار مقاله «رهیافتی نو به قرآن: از متن به گفتار» که ترجمه مقاله‌ای از نصر حامد ابوزید است، موضوع گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن به موضوعی جذاب در میان قرآن‌پژوهان ایرانی تبدیل می‌شود. به دنبال انتشار این مقاله، در فضای مجازی بحثی نسبتاً داغ در این باره شکل می‌گیرد که حاصل آن، نوشتارها و مقالاتی با عناوین زیر است: «قرآن به مثابه گفتار؛ انقلاب در قرآن‌شناسی» اثر مهدی خلجی؛ «قرآن به مثابه گفتار یا نوشتار» اثر سیدعلی اصغر غروی؛ «تلقی معتدل از نظریه وحی گفتاری و سابقه آن» و «قرائت رادیکال و اعتدالی از نظریه وحی گفتاری» اثر محسن آرمین؛ «نقد نظریه گفتاری بودن قرآن» اثر حسن یوسفی اشکوری؛ «قرآن: گفتار یا نوشتار؟» اثر حسن پویا؛ «نظریه وحی گفتاری و مصحف: تطبیق یا تحمیل» اثر محسن آرمین؛ «نقدی بر نقد نظریه گفتاری قرآن» اثر مهدی خلجی؛ «ساختار قرآن، متن یا گفتار؟» اثر عبدالعلی بازرگان؛ «قرآن هم گفتار و هم نوشتار» اثر احمد عابدینی؛ «نقد قرائت رادیکال از نظریه وحی گفتاری» اثر محسن آرمین.^۱

صرف نظر از این پیشینه رسمی در سطح مقالات، ریشه‌هایی از اختلاف دیدگاه‌های مفسران و قرآن‌پژوهان را در این موضوع، می‌توان در مباحث کهنی همچون: اسباب نزول و تناسب آیات، نظریات تفسیری و... رهگیری و جستجو کرد که این پژوهش از بیان آن‌ها صرف نظر می‌کند.

۱. تعریف دیسکورس

واژه دیسکورس^۲ که در فارسی به معنای گفتار، گفت‌وگو، سخنرانی، مقاله و

۱. چنان که گفته شد، اکثر این مقالات در فضای مجازی و اینترنتی شکل گرفته و در مجلات رسمی چاپ نشده است.

2. Discourse.

موعظه برگردانده شده، از ریشه فعل یونانی Discourerre به معنای سرگردان، آواره، بیمودن، از مسیر خارج شدن و حرکت در جهت‌های گوناگون گرفته شده است (ر.ک: مک‌دائل، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۳). در متون فارسی، این واژه گاهی به سخن (مقال) و گاهی به گفتمان ترجمه شده است.

از نظر اصطلاحی، اصطلاح دیسکورس از زمان اولین کاربردش تا کنون، دستخوش تغییرات بنیادین شده است (ر.ک: تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۴؛ شعیری، ۱۳۸۵: ۹-۱۶). این اصطلاح که در کاربردهای اولیه‌اش، در برابر نوشتار به کار رفته و ساختمان زبان گفتار مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها، تفسیرها و سخنرانی‌ها را شامل می‌شده، به تدریج در سایر حوزه‌های علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، زبانی‌شناسی، هرمنوتیک و... به کار رفته و دامنه مفهومی متفاوتی یافته است؛ برای مثال میشل فوکو، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، «دیسکورس» را این گونه تعریف می‌کند:

«دیسکورس مجموعه‌ای از ایده‌ها، مفاهیم و باورهای مرتبط با یکدیگر است که به‌عنوان جهان‌بینی مقبول در یک جامعه رسمیت می‌یابد و چارچوبی قدرتمند برای فهم و عمل اجتماعی را شکل می‌دهد» (دریغوس و رابینو، ۱۳۷۶: ۱۵).

با توجه به دامنه معنایی وسیع و گسترده اصطلاح «دیسکورس» در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، تنها به دو تعریف این اصطلاح در زبان‌شناسی و هرمنوتیک که مرتبط با موضوع بحث این نوشتار است، اشاره می‌شود که البته از این میان، تعریف دوم، یعنی تعریف دیسکورس در هرمنوتیک، مبنای مطالعه در این پژوهش است.

۱-۱. دیسکورس در زبان‌شناسی

واژه دیسکورس در زبان‌شناسی جدید، به زبان مورد استفاده یا زبان کاربردی، در برابر زبان به مثابه یک سیستم انتزاعی و مجرد اطلاق می‌شود. در این اصطلاح، دیسکورس به واحد یا قطعه‌ای از گفتار یا نوشتار گفته می‌شود که با هم مرتبط بوده و معمولاً بیش از یک جمله است و در آن به عنوان زمینه معنایی بحث، هم بر عناصر غیرزبانی (مانند موقعیت گوینده، افق دلالت‌های معنایی و ارزشی گوینده، زمینه تاریخی شکل‌گیری زبان) و هم بر قواعد و قوانین زبانی و نظام دستوری جمله‌ها و

گزاره‌ها تأکید می‌شود (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۰).

از این منظر، دیسکورس جریان یا بستری دارای زمینه‌ای اجتماعی است که در آن، کلمات، عبارات و معانی آن‌ها همگی وابسته به این نکته‌اند که در چه زمان و مکانی، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی به کار رفته‌اند. به بیان دیگر، بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب، در کنار گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر دیسکورس را تعیین می‌کنند (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۵۶).

۲-۱. دیسکورس در هرمنوتیک

واژه دیسکورس در هرمنوتیک پل ریکور، به واقعه یا امری مستحدث گفته می‌شود که دارای بُعد و حیثیت زمانی است. منظور از واقعه بودن دیسکورس نیز وقوع امری است که با سخن گفتن کسی پدید می‌آید (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۴).

اگرچه دیسکورس حیثیتی زمانی و حیاتی‌زمانمند دارد، وقوع آن مستلزم ادامه حیاتش نیست، چنان که دیسکورس‌های گفتاری، واقعه‌ای گذراند و اندک زمانی پس از وقوع پایان می‌پذیرند. از دیگر سو، دیسکورس‌های نوشتاری پس از وقوع از بین نرفته، به مدد نگارش تثبیت می‌شوند و حیاتی ماندگار دارند. از همین جهت، ریکور میان زبان و دیسکورس تفاوت می‌گذارد؛ زیرا زبان و ساختارهای زبانی اساساً واقعه نیستند، بنابراین نه پدید می‌آیند و نه از بین می‌روند (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۷۴).

برای دریافت دقیق مفهوم دیسکورس از منظر ریکور، توجه به ویژگی‌های چهارگانه دیسکورس ضروری است. گفتنی است که این ویژگی‌ها نسبت به مفهوم دیسکورس عمومیت دارند، در حالی که شاخصه‌های دیسکورس در هر دو نوع آن (گفتاری یا نوشتاری)، به طور خاص سمت و سوی هر یک از انواع یادشده را نشان می‌دهند.

۱. زمانمند بودن دیسکورس (همان: ۳۷۳): همان‌طور که گفته شد، دیسکورس واقعه‌ای است که دارای بُعد و حیثیت زمانی است، بنابراین همواره در زمان حاضر و به طور زمانمند یافت می‌شود؛ بر خلاف زبان که امری بالقوه و خارج از افق زمان خاص است.

۲. وجود گوینده یا فاعل برای دیسکورس (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۷): در دیسکورس همواره نشانگرهایی وجود دارند که به فاعل یا گوینده ارجاع می‌دهند؛ مانند ضمائر شخصی. به دیگر سخن، دیسکورس خود ارجاع است و از طریق عناصر درونی خود، به فاعل یا گوینده ارجاع می‌دهد. ویژگی واقعه بودن دیسکورس، موجب ایجاد پیوند بین آن و گوینده یا نویسنده می‌شود؛ نویسنده یا گوینده‌ای که در قالب سخن گفتن یا نوشتن، خود را در دیسکورس باز نمایانده است.

گفتنی است که دیسکورس نه تنها از طریق عناصر زبانی و غیر زبانی به گوینده یا نویسنده خود ارجاع می‌دهد که از همین طریق، بر واقعه دیسکورس رهنمون می‌سازد. این مطلب در توضیح دیسکورس‌های نوشتاری که حیاتی ثابت و ماندگار دارند، نمود آشکارتری دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳. دال بر جهان بودن دیسکورس (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۷۴؛ حسنی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۷): دیسکورس همواره درباره چیزی سخن می‌گوید و از امور خارج از خود حکایت می‌کند؛ بر خلاف زبان که تنها دال بر نشانه‌ها و بیانگر چگونگی روابط میان آن‌هاست. این ویژگی دیسکورس نشان‌دهنده آن است که دیسکورس همواره بر جهانی دلالت دارد که آن را توصیف کرده، بروز داده و بازنمایی می‌کند. با توجه به سه ویژگی اخیر، معنا و مفهوم ویژگی واقعه بودن دیسکورس عبارت از این است که دیسکورس، موجب پیدایش جهان در زبان می‌شود و قادر است به مدد واژگان، واقعیت را نشان دهد (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۲۶).

۴. دیالوگی و دوطرفه بودن دیسکورس (حسنی، ۱۳۸۹: ۶۸): دیسکورس عهده‌دار تبادل پیام‌های زبانی است. به بیان دیگر، نه تنها دیسکورس دارای جهان بوده و دنیای قابل اشاره دارد، بلکه دارای مخاطب و طرف مقابل است که با او سخن گفته می‌شود و او دریافت‌کننده پیام است. بنابراین دیسکورس عبارت است از یک گفت‌ووشنود دوطرفه و دیالوگی که پس از ایجاد می‌تواند تداوم یابد یا قطع شود. مخاطب و دیالوگی بودن دیسکورس، هویت اساسی آن را شکل می‌دهد؛ به گونه‌ای که حتی در حدیث نفس نیز انسان گفتگویی با خود ترتیب می‌دهد.

۲. انواع دیسکورس

دیسکورس دو قسم است: دیسکورس گفتاری؛ دیسکورس نوشتاری یا متنی. دیسکورس گفتاری، واقعه و امر مستحدثی است که هنگام سخن گفتن رخ می‌دهد. چنان که گذشت، دیسکورس گفتاری، واقعه‌ای گذراست و اندک زمانی پس از وقوع پایان می‌پذیرد. بنابراین گذرا بودن، مهم‌ترین ویژگی دیسکورس گفتاری است. در مقابل، دیسکورس نوشتاری، واقعه و امر مستحدثی است که با عمل نوشتن تثبیت شده است. بر خلاف دیسکورس گفتاری، این نوع دیسکورس پس از وقوع از بین نمی‌رود و به مدد نگارش تثبیت می‌شود و حیاتی ماندگار می‌یابد. بنابراین تثبیت شدن به واسطه نگارش و کتابت، از ویژگی‌های بنیادی و ذاتی دیسکورس نوشتاری است.

از دیدگاه ریکور، «متن» ثبت کردن هر گونه سخن در نوشتار است. به تعبیر دیگر «متن» دیسکورسی است که ثبت شده و در قید کتابت درآمده باشد (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۱۶). این تعریف بیان‌کننده چند ویژگی اساسی است: ۱. متن وابسته به سخن یا دیسکورس است؛ یعنی ساختاری است کامل که به اجزاء تشکیل‌دهنده‌اش (جمله‌ها، واژگان) تقلیل‌پذیر نیست (همان)؛ ۲. متن به واسطه نگارش و کتابت که از ویژگی‌های ذاتی و بنیادین آن است، تثبیت می‌شود؛ ۳. همواره این دیسکورس است که در متن به کتابت درمی‌آید و ثبت می‌شود. به بیان دیگر، چیزی که با نگارش و کتابت تثبیت می‌شود، همواره دیسکورس است و هر متنی صورت تثبیت‌شده (منجمدگردیده) دیسکورس است (حسنی، ۱۳۸۹: ۷۴).

۳. شاخصه‌های دیسکورس گفتاری و نوشتاری و مقایسه آن با ویژگی‌های زبان قرآن

مناسب است پیش از بیان شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری و مقایسه میان آن‌ها با ویژگی‌های زبان قرآن، به اختصار تفاوت‌های خواندن (نوشتار) و شنیدن (گفتار) با یکدیگر مقایسه شود. در عمل خواندن، نوشتار جایگزین سخن و گوینده است. خواننده نیز هنگام قرائت یک متن، جایگزین طرف صحبت و مخاطب گوینده است.

بر خلاف گادامر که خواندن و فهم متن را نوعی گفتگو از سنخ پرسش و پاسخ می‌داند و دریافت معنای متن را حاصل گفت‌وشنود و امتزاج افق خواننده و مؤلف متن می‌پندارد (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۵۷۱ و ۵۷۳ و ۵۷۹؛ واعظی، ۱۳۸۵: ۲۶۵-۲۶۷؛ پورحسن، ۱۳۸۴: ۲۷۳)، ریکور معتقد است که خواندن یک متن به سان یک دیالوگ از سنخ پرسش و پاسخ نیست و نمی‌توان گفت که مطالعه کتاب و قرائت متن، دیالوگی بین خواننده و مؤلف متن است که از طریق متن برقرار شده است؛ چرا که گفت‌وشنود، یک نوع تبادل پرسش و پاسخ است؛ اما بین نویسنده متن و خواننده آن، چنین ارتباطی وجود ندارد و نویسنده به خواننده پاسخ نمی‌دهد. کتاب نیز بین عمل نگارش و عمل خواندن جدایی افکنده و رابطه و ارتباط مستقیم میان صاحب سخن و مخاطب را از بین برده است. از سوی دیگر، خواننده در هنگام نگارش حضور ندارد و مؤلف نیز در هنگام مطالعه اثرش توسط خواننده، غایب است (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۲۶). با این مقدمه شاید بتوان به طور بهتر و کامل‌تری شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری را مقایسه کرد.

۳-۱. شاخصه نخست

در دیسکورس‌های گفتاری، واقعه زبانی (فعل سخن گفتن) و به تبع آن معنا، هم‌زمان با واقعه دیسکورس شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر، معنا محصول واقعه زبانی در دیسکورس است، در حالی که در دیسکورس‌های نوشتاری، معنا مقدم بر دیسکورس است؛ زیرا آنچه در متن نوشته شده است، ناشی از عمل قصدی مؤلف برای انتقال معناست که این معنا در نوشتار صورت خارجی یافته است. بنابراین ابتدا معنا وجود داشته است و سپس در قالب متن، تثبیت و ماندگار شده است (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۶۱). گفتنی است که منظور از هم‌زمانی شکل‌گیری معنا با واقعه زبانی در دیسکورس‌های گفتاری، تأثیر عناصر موجود در دیسکورس بر معنای قصدی گوینده است. روشن است که منظور از این شاخصه، نبودن معنای قصدی در دیسکورس گفتاری برای گوینده نیست، بلکه منظور تأثیر عناصر دیسکورس بر معنای قصدی، معنادهی و حتی معناسازی نسبت به معنای قصدی گوینده است.

۱-۱-۳. بررسی مقدم بودن معنای مراد خداوند از آیات قرآن بر دیسکورس

بررسی این شاخصه نسبت به زبان قرآن، مستلزم پاسخ به این پرسش است که آیا معنای مراد خداوند در فرستادن قرآن، مقدم بر دیسکورس بوده است. به تعبیر دیگر، آیا آنچه در قرآن در قالب لفظ درآمده و سپس مکتوب شده است، ناشی از عمل قصدی خداوند برای انتقال معناست و عناصر موجود در دیسکورس، در قصد و مراد خداوند تأثیر نداشته‌اند، یا اینکه هم‌زمان با واقعه دیسکورس، واقعه زبانی و به تبع آن معنا به وجود آمده است و معنا متأثر از عناصر دیسکورس است. به تعبیر دیگر، آیا معنا آن‌چنان به دیسکورس وابسته است که اگر دیسکورس اتفاق نمی‌افتاد، معنا هم منتقل نمی‌شد؟

در یک تقسیم‌بندی کلی، آیات قرآن دو دسته‌اند: ۱. آیاتی که به دنبال حادثه یا سبب نزولی نازل شده‌اند؛ ۲. آیاتی که مستقلاً و بدون هیچ گونه سبب نزولی فروآمده‌اند (صبحی صالح، ۱۳۷۲: ۷۸ و ۱۳۲؛ غازی، ۱۴۱۱: ۱۴). دانشمندان علوم قرآنی معتقدند آیاتی که به دنبال حادثه یا سببی خاص نازل شده‌اند، در مقایسه با آیاتی که مستقلاً نازل شده‌اند، حجم اندکی از آیات قرآن را دربرمی‌گیرند (همان منابع).

درباره آیات متعلق به دسته دوم، یعنی آیاتی که مستقلاً نازل شده‌اند و به دیسکورس خاصی تعلق ندارند، روشن است که در این آیات، از آنجا که هم‌زمان با شکل‌گیری متن، اساساً دیسکورسی گفتاری وجود نداشته، نمی‌توان شکل‌گیری معنا را هم‌زمان با دیسکورس و حاصل تأثیر و تأثیر دیسکورس و معنای قصدی و مراد خداوند دانست.

آیات دسته نخست که به دنبال حادثه یا سبب نزولی نازل شده‌اند، خود چند گونه‌اند: در بسیاری از این آیات، سبب پیش از آیه رخ داده است و ویژگی هم‌زمانی دیسکورس و واقعه زبانی محقق نیست؛ برای مثال در آیاتی که پاسخ سؤالی از مشرکان، اهل کتاب یا مسلمانان‌اند، آیه لزوماً هم‌زمان و بدون فاصله پس از سؤال نازل نشده است. در این باره مشهور است که در پی سؤال گروهی از یهودیان یا مشرکان از پیامبر ﷺ درباره «ذی‌القرنین»، «اصحاب کهف» و «روح» وحی برای مدتی (۱۲، ۱۵ یا ۱۹ روز) قطع شد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۸/۱۵؛ طوسی، بی‌تا: ۶/۷). در بسیاری از موارد هم اول آیه نازل شده و سپس مردم آیه را بر رخدادهای اطراف خود تطبیق داده‌اند. بنابراین اطلاق حقیقی سبب نزول بر این موارد درست نیست و با تسامح به این تطبیق‌ها،

سبب نزول گفته شده است. از این رو گفته شده که بسیاری از سبب نزول‌ها، از سنخ تطبیق بر حکم آیه و بیان توضیحات تفسیری‌اند تا بیان حقیقی سبب نزول، چنان که وقتی صحابه یا تابعی می‌گوید: «نزلت هذه الآية في كذا»، منظور این است که آیه این حکم را شامل می‌شود و بر مصداق مورد اشاره منطبق است؛ نه اینکه این موضوع، سبب نزول آیه باشد (ر.ک: زركشي، ۱۴۱۰: ۱۲۶/۱؛ سيوطي، ۱۴۲۱: ۱۲۷/۱).

اگرچه در اندکی از آیات، نظیر آیه ولایت، آیه تطهیر، آیه اکمال و... در ظاهر، سبب هم‌زمان با واقعهٔ زبانی رخ داده و گمان شده است که بدون در نظر گرفتن دیسکورس، معنای آیه روشن نیست. این آیات اندک و قابل تبیین دوباره‌اند و تبیینی فراتر از این نوشتار می‌طلبند.^۱ گفتنی است که در این آیات، به نظر می‌رسد معنا خارج از دیسکورس شکل گرفته و از طریق دلالت‌های متنی قابل برداشت است و تنها مصداق است که درون دیسکورس، فرد یا گروه مورد نظر خود را یافته است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در تبیین نخستین شاخصهٔ دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری، زبان قرآن با شاخصهٔ دیسکورس زبان نوشتاری سازگارتر است؛ زیرا معنا در بسیاری از آیات، خارج از دیسکورس شکل گرفته است و در اندک مواردی هم که دیسکورسی برای نزول آیه گفته شده، به سختی می‌توان گفت که معنا هم‌زمان با واقعهٔ دیسکورس شکل گرفته و حاصل تأثیر و تأثیر دیسکورس و معنای قصدی و مراد خداوند است و اگر دیسکورس اتفاق نمی‌افتاد، آیه نیز وجود خارجی نمی‌یافت.

گفتنی است که در این عنوان، تنها یکی از ویژگی‌های زبان قرآن با ویژگی هم‌زمانی شکل‌گیری معنا با دیسکورس در دیسکورس‌های گفتاری و غیر هم‌زمانی (تقدم معنایی) در دیسکورس‌های نوشتاری مقایسه شده است و از آنجا که در اکثر آیات، معنا مقدم بر دیسکورس شکل گرفته و در مواردی هم که ادعای هم‌زمانی شکل‌گیری معنا و دیسکورس وجود دارد، به شرحی که گذشت، می‌توان اشکال کرد این ویژگی زبان قرآن با ویژگی زبان در دیسکورس‌های نوشتاری سازگارتر است.

در پایان بیان این نکته بایسته است که معتقدان به گفتاری بودن زبان قرآن، سبک

۱. نگارندگان این نوشتار بر آن‌اند که در نوشتارهایی مستقل به آیات یادشده بپردازند.

قرآن را گفتاری می‌دانند و در نتیجه بی‌توجهی به دیسکورس (فرهنگ به معنای اعم آن) را حتی در آیاتی که به طور مستقل نازل شده‌اند و به سبب یا حادثه فرهنگی خاصی تعلق ندارند، موجب فهم ناقص یا ناصحیح این آیات قلمداد می‌کنند. روشن است که این بیان و استدلال، ناقض تقدم شکل‌گیری معنا بر دیسکورس نیست، اگرچه از این منظر، از آنجا که متن قرآنی، متنی فرهنگی قلمداد می‌شود، فهم و خوانش آن با صرف‌نظر از عناصر فرهنگی ناممکن است. این نکته نیز موضوعی مبنایی است و پاسخ به آن که البته از لوازم اعتقاد به گفتاری دانستن زبان قرآن است، پژوهشی مستقل می‌طلبد.

۲-۳. شاخصه دوم

در دیسکورس‌های گفتاری، واقعه دیسکورس گذراست و اندک زمانی پس از وقوع از بین می‌رود. در حالی که در دیسکورس‌های نوشتاری، دیسکورس به مدد نگارش در متن، تثبیت شده و حیاتی ماندگار دارد (حسنی، ۱۳۸۹: ۸۸). یادکردنی است که تثبیت دیسکورس گفتاری در قالب متن اساساً ممکن نیست و عناصر موجود و دخیل در شکل‌دهی معنا در دیسکورس، آن‌چنان متعدد و متکثرند که تثبیتشان بعد از واقعه زبانی غیر ممکن می‌نماید. این تصور که می‌توان واقعه زبانی شکل گرفته در دیسکورس گفتاری را مکتوب و تثبیت کرد، تصور دقیقی نیست؛ زیرا آنچه در فرایند مکتوب‌سازی گفتار تثبیت می‌شود، تثبیت دیسکورس نیست، بلکه در چنین فرایندی، یا فقط الفاظ منهای دیسکورس ثبت می‌شوند و یا برداشت ذهنی مخاطبان بر قلم می‌نشینند که حالت اخیر به معنای قصدی گوینده نزدیک‌تر است.

۱-۲-۳. بررسی تثبیت (انجماد) دیسکورس در متن قرآن

درباره شاخصه دوم سؤال این است که زبان قرآن با کدام نوع دیسکورس سازگاری بیشتری دارد؟ صرف‌نظر از نوع تبیین درباره موضوع پیشین که در این مورد هم سودمند است و حداقل آیاتی را که مستقلاً و بدون سبب نازل شده‌اند، بدون قید و شرط دربرمی‌گیرند و می‌توان در این موارد، دیسکورس متن را نوشتاری دانست، در بسیاری از پرسش و پاسخ‌های قرآنی که در ظاهر حاصل دیالکتیک مستقیم پیامبر ﷺ با صحابه است، این شاخصه را می‌توان پی‌گیری کرد.

در اکثر پرسش و پاسخ‌های قرآنی که غالباً به دنبال سؤالی از سوی مشرکان یا مسلمانان رخ داده است، دیسکورس گفتاری اندکی پس از وقوع از بین رفته است. اما موضوع سؤال و پاسخ آن در دیسکورس نوشتاری و متن قرآن، به گونه‌ای خاص تثبیت شده است؛ به طوری که بدون دسترسی به دیسکورس گفتاری از بین رفته، دستیابی به معنا با استفاده از دیسکورس متن ممکن است.^۱ در این گونه مثال‌ها، به روشنی می‌توان مشاهده کرد که دیسکورس گفتاری با تغییر ساختار و ماهیت، به دیسکورس نوشتاری تبدیل شده است.

در ذیل در ضمن بررسی و تطبیق آیه **﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾** (انفال / ۱) با ویژگی مطرح در این شاخصه، چگونگی انجماد و تثبیت دیسکورس گفتاری در دیسکورس نوشتاری تبیین می‌شود.

موضوع مطرح در دیسکورس گفتاری میان پیامبر **ﷺ** و حاضران در جنگ، غنایم حاصل از جنگ بدر است که مسلمانان یا گروه خاصی از آنان، درباره چگونگی تقسیم آن با یکدیگر اختلاف نظر داشتند (قمی، ۱۳۶۷: ۲۵۴/۱؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۲۳۵)؛ از این رو نزد پیامبر **ﷺ** آمده و درباره آن از ایشان می‌پرسند. بنابراین مورد سؤال از پیامبر **ﷺ** در دیسکورس گفتاری، خصوص غنایم جنگی حاصل از جنگ بدر است؛ زیرا بعید می‌نماید که مسلمانان در آن فضای پرالتهاب ناشی از جنگ و اختلاف بر سر تقسیم غنایم، به موضوع تقسیم غنایم جنگی به طور عام (در همه جنگ‌ها) و به طور عام‌تر به موضوع «انفال» اندیشیده باشند (دو موضوعی که در دیسکورس متنی قرآن به آن پرداخته شده است).

دقت در آیه نخست سوره انفال نشان می‌دهد که فضای موجود در دیسکورس گفتاری، با تغییر ساختار، ماهیت و موضوع، در دیسکورس متنی تثبیت شده است. در

۱. یادآوری این نکته ضروری است که دستیابی به معنا با استفاده از دیسکورس متنی آیات، به معنای حذف همه پیش‌فهم‌ها و پیش‌دانسته‌ها و مطالعه متن در خلأ نیست. چنان که پیشتر گفته شد، این گونه پیش‌فهم‌ها و پیش‌دانسته‌ها به عنوان ابزار فهم مطرح‌اند، در حالی که فرض گفتاری بودن زبان قرآن، دسترسی به دیسکورس گفتاری از جهت منبع بودن آن است، به طوری که عدم دسترسی به آن به سوء فهم یا اساساً عدم فهم منجر می‌شود.

این باره به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. در حالی که دیسکورس گفتاری میان پیامبر و صحابه، در یک دیالکتیک (گفتگو) مستقیم برقرار است و فرایند پرسش و پاسخ مطرح است، در آیه، این دیالکتیک مستقیم، با فعل «یسألونک» تبدیل به گزارش سؤال شده است.

۲. در دیسکورس گفتاری، موضوع مورد گفتگو غنایم حاصل از جنگ بدر است. چنان که گفته شد، بعید می‌نماید که مسلمانان دربارهٔ انفال از پیامبر ﷺ سؤال کرده باشند. بنابراین موضوع «انفال» به طور خاص، جز همان غنیمت جنگی حاصل از جنگ بدر، نمی‌تواند معهود ذهنی آنان باشد.

در مقابل در دیسکورس نوشتاری، با به کار رفتن اصطلاح «انفال»، که البته معهود ذهن مخاطبان دیسکورس گفتاری نیست، به موضوع «انفال» به طور عام پرداخته شده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۷/۹) که هم شامل غنایم جنگی بدر، هم شامل غنایم جنگی سایر جنگ‌های پیش رو و هم شامل سایر موارد داخل در موضوع «انفال» است. بنابراین اگرچه آیه، مورد سؤال و معهود ذهنی مخاطبان دیسکورس گفتاری را پاسخ داده، هیچ اختصاصی به آنان و خصوص غنایم جنگی بدر ندارد.

البته در این خصوص ممکن است گفته شود که معتقدان به گفتاری بودن زبان قرآن، آیه را عام نمی‌دانند و از معنا در دیسکورس گفتاری تجاوز نمی‌کنند. این بیان دارای دو اشکال اساسی است: الف) تفاوتی معنایی - لغوی انفال با غنایم، با توجه به کاربرد هر دو واژه در آیات قرآن و دقت کلام الهی در انتخاب واژگان؛ ب) اختصاص آیه به دیسکورس و لوازم آن؛ از جمله: غنایم مورد سؤال، مخاطبان، جنگ بدر و.... گفتنی است که اعتقاد به نوشتاری بودن زبان قرآن در آیه مورد بحث، مانع فهم تاریخی آیه نیست و یا اینکه فهم تاریخی آیه را ناصحیح قلمداد نمی‌کند، بلکه در صدد تأکید بر این نکته است که آیه از ابتدا منحصر در فهم مخاطبان تاریخی نمی‌باشد.

۳. در دیسکورس نوشتاری، در مقام پاسخ از واژه «قل» استفاده شده است. قرآن کریم، با استفاده از این واژه داخل در دیسکورس گفتاری پیامبر ﷺ با صحابه نشده، بلکه پاسخ سؤال مورد اشاره را برای صحابه و هر مخاطب دیگری که پس از آنان بیاید، مطرح می‌کند. بنابراین مخاطب پاسخ و واژه «قل» تنها صحابه، به عنوان نخستین

مخاطبان نیستند، بلکه برای هر مخاطبی و در هر زمان و مکانی، هر بار چنین سؤالی پیش آید، این پاسخ کارآمد است.

۴. اگرچه بخش پایانی آیه «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» به فضای اختلاف میان صحابه در دیسکورس گفتاری اشاره دارد و در صدد اصلاح آن است، روشن است که اختصاصی به آنان ندارد. در این بخش پیام‌های عامی مانند: «تقوای الهی»، «اصلاح میان یکدیگر» و «اطاعت خدا و رسول در پرتو ایمان» وجود دارد که هر کدام در راستای مفهوم عام مطرح در آیه (انفال)، قابل خوانش و فهم‌اند. شاید بتوان گفت که آیه با این عبارات، از التهاب، تنش و حتی مخالفتی که در آینده ممکن است در برابر اختصاص انفال به خدا و رسول او به وجود آید، پیشگیری کرده و از پیش پاسخ را ارائه و مخالفت‌کنندگان را در صورت ایمان، به تقوا، اصلاح میان یکدیگر و اطاعت خدا و رسول دعوت کرده است.

تأکید دوباره صاحب قلم در این نوشتار این است که تمام این عبارات نه تنها مخاطبان نخستین آیه را در دیسکورس گفتاری دربرمی‌گیرد که هر گونه مخاطب دیسکورس نوشتاری را در هر زمان و مکانی شامل می‌شود. بنابراین هم سؤال و هم جواب، در هر زمان و مکانی و توسط هر مخاطب و پرسشگری مطرح شد، پاسخ آیه ثابت است.^۱

روشن است که در آیه یادشده، آنچه در متن تثبیت شده، معنا و عناصر دیسکورس گفتاری نیست، بلکه خداوند معنایی بسیار فراتر از معنای موجود در دیسکورس را در متن تثبیت کرده است.

۳-۳. شاخصه سوم

در دیسکورس‌های گفتاری، نوعی بی‌واسطگی و ارتباط مستقیم وجود دارد،

۱. بررسی سایر آیات ابتدایی سوره انفال که در موضوع جنگ بدر و حوادث و اتفاقات قبل و بعد از آن است، اگر با همین رویکرد دنبال شود، به روشنی نشان خواهد داد که زبان قرآن تابع دیسکورس شفاهی نیست، بلکه قرآن حکایتگر واقعه در دیسکورس نوشتاری است؛ از این روست که به فضای دیسکورس و آنچه نیازمند به دانستن بوده، در دیسکورس نوشتاری اشاره کرده و هر آنچه مورد نیاز و مؤثر در فهم نبوده، واگذاشته است.

به گونه‌ای که قصد و نیت صاحب سخن با معنای آنچه گفته می‌شود، انطباق دارد. بنابراین می‌توان گفت که معنا بدون واسطه، منطبق بر مراد و قصد گوینده است. حتی اگر در مواردی معنا بر مراد منطبق نباشد یا ابهامی وجود داشته باشد، دیسکورس برطرف‌کننده ابهام و مسئول انطباق معنا بر مراد است. در مقابل، در دیسکورس‌های نوشتاری، معنای متن لزوماً با قصد مؤلف تطابق ندارد و ممکن است معنای متن، فراتر از چیزی باشد که مقصود مؤلف بوده است (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۶۱).

در دیسکورس‌های نوشتاری، معنا منطبق بر دلالت متن است. بنابراین اگر دلالت متن منطبق بر قصد و نیت مؤلف باشد، معنا با واسطه متن منطبق بر مراد مؤلف است و اگر دلالت متن فراتر از قصد و نیت مؤلف باشد، گفته می‌شود که معنا منطبق بر مراد مؤلف نیست و فراتر از آن است. این گونه است که در دیسکورس نوشتاری، سخن از مرگ مؤلف و حیات مستقل متن پیش می‌آید. ریکور از این ویژگی با عنوان استقلال و فاصله‌مندی متن از قصد و نیت مؤلف یاد می‌کند. او معتقد است که در جریان تکوین متن و گذار از دیسکورس گفتاری به دیسکورس نوشتاری، نوشتن موجب استقلال متن و فاصله گرفتن آن از قصد و نیت مؤلف می‌شود و آنچه نگاشته و در قالب متن درآمده، دیگر لزوماً با نیت مؤلف مطابقت ندارد، بدین‌رو معنای متنی با معنای روان‌شناختی متفاوت است (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۲۲-۶۲۳؛ حسنی، ۱۳۸۹: ۸۲ و ۸۶).

نکته مورد نظر و مهم در نقد ریکور این است که نوشتن و کتابت در دیسکورس نوشتاری، موجب استقلال متن از مؤلف و قصد و نیت او نیست، بلکه موجب استقلال متن در دلالت بر قصد و نیت مؤلف است. بنابراین در دیسکورس نوشتاری، مؤلف نمی‌میرد و به تعبیر ریکور مرگ مؤلف رخ نمی‌دهد، بلکه مؤلف همراه با قصد و نیتش در دلالت متن حلول می‌کند. بر این اساس مادامی که متن درست مورد خوانش و فهم قرار گیرد، قصد و نیت مؤلف منطبق بر دلالت استقلالی متن است.

۳-۳-۱. بررسی دلالت‌های نامحدود و بی‌پایان متنی قرآن

این نکته که متن دلالتی فراتر از قصد و نیت مؤلف دارد و حیاتی مستقل از مؤلف را تجربه می‌کند، درباره متون بشری درست است؛ زیرا ذهن مؤلف بشری محدود است

و نمی‌تواند در لحظه نگارش، همه دلالت‌های ممکن متن را مدنظر داشته باشد. بنابراین فرض اینکه همه دلالت‌های متنی در قصد و نیت مؤلف داخل باشد، ناصحیح است. در این باره به یقین می‌توان گفت که بسیاری از دلالت‌های شعری دیوان حافظ، از ابتدا در قصد و نیت مؤلف آن نبوده است. گفتنی است که منظور از دلالت‌های متنی، دلالت‌هایی است که حداقل معیارهای روشمندی را داشته باشند؛ نه هر دلالت و سوءبرداشتی که از متن صورت پذیرد.

در مقابل درباره خداوند و نسبت به متن الهی که متنی غیر بشری و فرستنده (مؤلف) آن در سطحی مافوق بشری است، فرض پیش گفته نه تنها محال نیست که ممکن است. در این درباره می‌توان گفت که نسبت به متن الهی، هر دلالت صحیحی که حداقل‌های معیار روشمندی را داشته باشد، ممکن است از ابتدا داخل در قصد و مراد خداوند بوده باشد، اگرچه در عصر نزول آن دلالت فهمیده نمی‌شده است؛ از این رو قابلیت بررسی و پژوهش را دارد. بنابراین اگر معیارهای روشمندی فهم بر مراد خداوند احراز شود، این ادعا که فهم جدید و بدون پیشینه برآمده از دلالت متن، از ابتدا داخل در مراد خداوند بوده است، محال نیست؛ زیرا این قدرت برای خداوند وجود دارد که از ابتدا همه دلالت‌های متنی را قصد کرده باشد. گفتنی است که منظور از دلالت صحیح در تبیین یادشده، هر دلالتی است که قواعد عام و خاص فهم متن در آن لحاظ شده باشد. چنین دلالتی این ارزش را دارد که خود را صحیح قلمداد کند و از سوی متخصصان فن، مورد مذاقه و مباحثه واقع شود تا صحت و سقم آن آشکار گردد.

بر این اساس، با توجه به دلالت‌های نامحدود و بی‌پایان متنی قرآن و محدود بودن مستقیم دلالت بر مراد در دیسکورس‌های گفتاری، این ویژگی زبان قرآن با شاخصه دیسکورس‌های نوشتاری منطبق است؛ با این تفاوت که فرض داخل در مراد خداوند بودن دلالت‌های نامحدود و بی‌پایان متنی قرآن محال نیست، در حالی که این فرض نسبت به متن بشری محال است.^۱

۱. روشن است که این نکته، ناشی از تفاوت مبنایی دیدگاه نگارندگان این مقاله با دیدگاه هرمنوتیست‌های متن‌محور است.

۳-۴. شاخصه چهارم

در دیسکورس‌های گفتاری، گوینده و مخاطب، هر دو حضور دارند و به اقتضای شرایط دیسکورس، هر زمان که ابهامی رخ دهد، از طریق پرسش و پاسخ و دیالکتیک میان صاحب سخن و مخاطب، آن ابهام قابل رفع است. بنابراین در این نوع دیسکورس، مکالمه و گفت‌وشنود اصل است و از این طریق پیام منتقل می‌شود (هوی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). ولی در دیسکورس‌های نوشتاری، مؤلف غایب است و خواندن و قرائت، جایگزین مکالمه و گفت‌وشنود است. در این نوع دیسکورس، خواننده در لحظه نگارش غایب است و نویسنده در لحظه خواندن (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۲۶).

۳-۴-۱. بررسی عدم امکان دیالکتیک مستقیم با خداوند

در بررسی این شاخصه نسبت به قرآن روشن است که دیسکورس متنی قرآن کریم، نمی‌تواند تابع شرایط دیسکورس گفتاری باشد؛ زیرا در این دیسکورس نه خداوند به عنوان فرستنده و مؤلف متن حضور دارد و نه انتقال پیام از طریق دیالکتیک مستقیم میان مؤلف و مخاطب صورت می‌گیرد. در صورت وجود ابهام در کلام خداوند، از آن رو که مؤلف در دیسکورس حضور ندارد که قصد و مراد خود را توضیح دهد، این دیسکورس متنی است که به کمک دلالت زبانی، پاسخ‌گوی ابهام است. به تعبیر دیگر، در این موارد، دیسکورس متنی و دلالت زبانی متن باید واکاوی شود تا قصد و مراد خداوند روشن شود. بر خلاف دیسکورس گفتاری که در آن گفت‌وشنود و دیالکتیک میان مؤلف و مخاطب اصل است، در دیسکورس قرآنی، خواندن و قرائت جایگزین مکالمه و گفت‌وشنود است، چنان که قرآن کریم نیز در این باره از اصطلاح قرائت و خواندن استفاده کرده است: ﴿لَا تُحْرَكُ بِهِ لِسَانُكَ لِتَجَلَّ بِهٖ﴾ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿ (قیامت/ ۱۶-۱۹). با توجه به این آیات، قرآن بر پیامبر ﷺ خوانده می‌شود؛ نه اینکه در یک دیسکورس شفاهی میان فرستنده و گیرنده، به پیامبر ﷺ منتقل شود.^۱

۱. گفتنی است اگرچه بنا بر قول مشهور، این آیات درباره‌ی نامه‌ی اعمال در قیامت است و نه قرآن، توجه به واژه «قُرْآنَهُ»، از این جهت است که معتقدان به گفتاری بودن زبان قرآن، این واژه را دلیلی بر تأیید دیدگاه خود قلمداد می‌کنند، در حالی که واژه مورد اشاره، بر خواندن و قرائت کردن، دلالت بیشتری می‌تواند داشته باشد تا شنیدن و گوش دادن.

ممکن است تصور شود که در دیسکورس قرآنی، این پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که جای مؤلف^۱ (خداوند) قرار گرفته و از طرف خداوند وارد دیالکتیک مستقیم با مخاطبان شده است. در این باره باید توجه شود که لفظ و معنای قرآن، وحی و از طریق جبرئیل به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منتقل شده و در فرایند انتقال معنا از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم (مخاطبان اولیه آیات)، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ نقشی جز ابلاغ آیات بر عهده ندارد. به تعبیر دیگر، وظیفه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رابطه بین خداوند و مردم، تنها ابلاغ و رساندن پیام خداوند است: ﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ﴾ (آل عمران/ ۲۰)؛ ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ (مائده/ ۹۹) و در رابطه میان او و مردم، وظیفه اش تبیین است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل/ ۴۴). گفتنی است که موضوع یادشده، موضوعی مبنایی است و ممکن است طرفداران گفتاری بودن زبان قرآن، نقش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در شکل گیری متن و دیالکتیک با مخاطبان، همچون نقش پدیدآورنده واقعی متن (خداوند) تصور کنند.

۳-۵. شاخصه پنجم

در دیسکورس های گفتاری، واقعه زبانی خطاب به مخاطب درون دیسکورس است. بنابراین دیسکورس های گفتاری، مخاطبان محدود و معین دارند (واعظی، ۱۳۸۵: ۴۶۱؛ حسنی، ۱۳۸۹: ۸۹). ارتباط سایر افراد خارج از دیسکورس، از طریق انتقال معنای دیسکورس است که ممکن است این انتقال معنا به صورت شفاهی در دیسکورس گفتاری دیگری رخ دهد یا اینکه انتقال معنا از طریق انجماد دیسکورس در متن و از طریق دیسکورس نوشتاری منتقل شود. در طرف مقابل، در دیسکورس های نوشتاری، مخاطب خاص وجود ندارد؛ یعنی دیسکورس نوشتاری مخاطبان نامحدود دارد (همان منابع). هر کسی می تواند خواننده متن باشد و با خواندن آن، وارد دیالکتیک با متن شود. گفتنی است که این نوع گفت و شنود با دیالکتیک گادامری که کمی قبل تر به آن اشاره شد، تفاوت دارد. در این نوع دیالکتیک بین خواننده و متن، خواننده می پرسد و

۱. کاربرد واژه «مؤلف» برای خداوند، به گونه ای اعتباری است؛ وگرنه نسبت دادن این اصطلاح به خداوند صحیح نمی باشد.

متن با دلالت‌هایش پاسخ می‌دهد و معنا را منتقل می‌کند. روشن است که در این پرسش و پاسخ، این مؤلف نیست که پاسخ می‌دهد، بلکه این متن است که با دلالتش پاسخ‌گوست. بنابراین دیالکتیک میان مخاطب و متن، از طریق پرسش‌های مخاطب و دلالت‌های متن شکل می‌گیرد.

۳-۵-۱. بررسی مخاطب نامحدود داشتن قرآن

آیات متعدد در قرآن به این مطلب اشاره دارد که قرآن برای هدایت همه مردم نازل شده است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنِ» (بقره / ۱۸۵)؛ «هَذَا بَصَائِرُ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (جاثیه / ۲۰). در روایات نیز آمده است که اگر قرآن به مخاطبان عصر نزول اختصاص داشت، باید با از میان رفتن سبب، آیه نیز کارکردش را از دست می‌داد و از بین می‌رفت. در این باره می‌توان به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد کرد:

«... ولو أن الآية إذا نزلت في قوم ثم مات أولئك القوم ماتت الآية، لما بقي من القرآن شي ولكن القرآن يجري أوله على آخره، ما دامت السماوات والأرض» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰/۱).

همچنین در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارشان، موسی بن جعفر علیه السلام آمده است:

«... لأن الله لم يُنزلهُ لزمان دون زمان ولا لناس دون ناس فهو في كل زمان جديد وعند كل قوم غرض إلى يوم القيامة» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۸۷/۲؛ نیز ر.ک: همان: ۱۳۰/۲).

با توجه به این دو نکته می‌توان نتیجه گرفت که مخاطبان قرآن، گروه خاصی نیستند که در عصر نزول حضور داشته‌اند، بلکه قرآن مخاطبان نامحدود دارد و هر کسی می‌تواند با خواندن متن قرآن، مخاطب آن قرار گیرد و وارد گفتگو و دیالکتیک با آن شود. البته منظور از دیالکتیک، نه دیالکتیک گادامری، بلکه دیالکتیک خواننده با متن است که ریکور آن را صحیح می‌داند.

البته ممکن است گفته شود که مخاطبان آیات یادشده، افراد مشخصی هستند و عمومیت خطاب در این آیات از اطلاق واژه‌های «هدی»، «لنناس»، «بینات»، «لقوم

یوقنون» برنمی‌آید. بنابراین مخاطبان خطاب، خصوص افراد درون دیسکورس گفتاری قرآن‌اند. در پاسخ به این اشکال باید گفت که در این صورت: ۱. باید از روایت یادشده چشم‌پوشی و مضامین آن‌ها را رد یا توجیه کرد؛ ۲. باید معتقد شد که نه تنها بخشی از آیات که همه آیات قرآن، با از میان رفتن مخاطبانشان، کارایی خود را از دست داده‌اند؛ ۳. باید پذیرفت که هدایت قرآن اساساً عام نبوده و از ابتدا مخاطبان عصرهای پسین و غیر از مخاطبان عصر نزول را شامل نمی‌شده و استفاده این مخاطبان از هدایت قرآن، استفاده از هدایت نخستین و منسوخ شده است. روشن است که الزامات سه‌گانه یادشده پذیرفتنی نیست.

۳-۶. شاخصه ششم

در دیسکورس‌های گفتاری، دیسکورس خارج از واقعه زبانی و مستقل از آن است، از این رو بر واقعه زبانی و دلالت‌های آن تأثیر می‌گذارد. به تعبیر دیگر، در دیسکورس‌های گفتاری، معنا و مدلول آنچه گفته می‌شود، با موقعیت گفتگویی محدود و منحصر می‌گردد (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۶۲)، از این رو در این نوع دیسکورس‌ها از معنا در دیسکورس سخن گفته می‌شود. در این نوع دیسکورس، اگر معنای دیسکورس در قالب متن، منجمد نشود و باقی نماند، با ثبت تنهای نشانه‌های زبانی، بخشی از معنا هم با از بین رفتن دیسکورس از میان می‌رود.

در مقابل در دیسکورس‌های نوشتاری، دیسکورس درون متن موجود است و خارج از آن نیست. بنابراین مادامی که متن موجود است، دیسکورس نیز درون آن ظهور دارد. در دیسکورس‌های نوشتاری، متن علاوه بر اینکه از مقاصد مؤلف آزاد است، از محدودیت‌های ناشی از دلالت‌های اشاری (دلالت‌های درون دیسکورس) نیز رهاست، از این رو اعمال محدودیت برای دلالت‌های معنایی متن ممنوع است (همان). متن دال بر یک جهان است، بنابراین فهم متن مستلزم دست یافتن به جهان خاص و منحصر به فرد آن است. جهان متن که بازتعبیری از دیسکورس متن است، مجموعه دلالت‌های متن است. به تعبیر دیگر، جهان متن منظری کلی از دلالت‌هاست که توسط متن گشوده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۲۳).

در دیسکورس‌های نوشتاری، سه ویژگی اصلی وجود دارد (ر.ک: حسنی، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۸):
 ۱. فاصله‌مندی از مؤلف؛ ۲. فاصله‌مندی از مخاطب؛ ۳. فاصله‌مندی از شرایط محیطی و پیرامونی موجود در دیسکورس شفاهی. این سه ویژگی، شکل‌دهنده دیسکورس درون‌متنی‌اند.

در مورد فاصله‌مندی متن از شرایط محیطی و پیرامونی موجود در دیسکورس گفتاری، تأکید بر این نکته ضروری است که دیسکورس نوشتاری، دیسکورسی درون‌متنی است و شرایط محیطی و پیرامونی که درون متن وجود دارد، فضای فهم و خوانش را برای خوانشگر فراهم می‌کند. بنابراین فرامتن در دیسکورس نوشتاری، درون (لابه‌لای) دلالت‌زبانی نهفته است.

۳-۶-۱. بررسی ضرورت وجود دیسکورس درون‌متنی در قرآن

درباره قرآن کریم با توجه به جهان‌شمول بودن پیام آن، فرض اعتقاد به گفتاری بودن دیسکورس قرآن، مستلزم اعتقاد به از بین رفتن بخش مهمی از معنا و تحریف معنوی جدی است. روشن است که این اعتقاد، با فرض باطل دیگری ملازم است و آن اینکه خداوند کاری خلاف حکمت انجام داده باشد؛ بدین معنا که خداوند آخرین پیام آسمانی و مافوق بشری خود را به گونه‌ای نازل کرده که از همان ابتدا بخشی از این پیام از بین رفته است. این مطلب مستلزم این است که هدایت به صورت ناقص در اختیار بشریت به جز مخاطبان اولیه قرار گرفته باشد.

از سوی دیگر روشن است که بسیاری از عناصر موجود در دیسکورس قرآن (با فرض گفتاری بودن)، همچون سبب نزول، فضای نزول، تاریخ نزول، مخاطبان نزول و... از بین رفته‌اند و آنچه باقی مانده است یا بسیار اندک و یا آن قدر نامعتبر است که کمتر می‌توان به طور استوار و متقن به آن استناد کرد.

در این باره استناد به آیاتی چون: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل / ۸۹)؛ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره / ۱۸۵)؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ بَرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾ (نساء / ۱۷۴)؛ ﴿قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ﴾ (مائده / ۱۵) با سؤالاتی اساسی روبه‌روست: چطور قرآن

«تبیاناً لكل شیء» است، در حالی که برای روشن بودن خودش، به دیسکورس گفتاری خارج از متن نیازمند است؛ دیسکورسی که به یقین بخش بزرگی از آن از بین رفته و آنچه مانده، بسیار نامعتبر است. بنابراین قرآن نسبت به غیر خود هم نمی‌تواند «تبیان» (روشنگر) باشد؛ زیرا بخشی از قدرت روشنگری قرآن در دیسکورس گفتاری موجود بوده که قبلاً از بین رفته است. سؤال دیگر اینکه چطور قرآن برای همهٔ مسلمانان هدایت و رحمت است، در حالی که بخشی از هدایت و رحمت قرآنی در دیسکورس گفتاری وجود داشته و در همان ابتدا از بین رفته است. سؤال آخر اینکه چطور قرآن برهان قاطع پروردگار و نور آشکار در نظر گرفته شود، در حالی که فهم بخشی از این برهان قاطع الهی به خاطر از بین رفتن آن ناممکن است و چطور قرآن نوری آشکار است، در حالی که در همان ابتدا از این نور کاسته شده و آنچه باقی مانده (با فرض گفتاری دانستن زبان قرآن) تنها بخشی از آن است.

دربارهٔ قرآن مناسب است از جهان متنی آن و فضای حاکم بر دیسکورس نوشتاری این کتاب الهی سخن گفت؛ جهان و دیسکورسی که درون متن موجود است و فضای فهم و خوانش را برای خوانشگر فراهم می‌کند. بنابراین فرامتن در دیسکورس نوشتاری، درون متن و در لابه‌لای دلالت زبانی نهفته است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، برای داوری دربارهٔ گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، به جای جستجو و رهگیری ویژگی‌های سبکی و اسلوبی متعلق به زبان گفتار نسبت به زبان قرآن، شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری با ویژگی‌های زبان قرآن مقایسه شده است. بر اساس مقایسهٔ انجام‌شده:

۱. معانی بسیاری از آیات قرآن، خارج از دیسکورس گفتاری شکل گرفته است و در اندک مواردی هم که دیسکورسی برای نزول آیات گفته شده، نمی‌توان گفت که معنا هم‌زمان با واقعهٔ دیسکورس شکل گرفته و حاصل تأثیر و تأثیر دیسکورس و معنای قصدی و مراد خداوند است.

۲. در دیسکورس متنی قرآن، آنچه تثبیت شده است، بسیار فراتر از معنای موجود در

دیسکورس‌های گفتاری ادعایی و منقول در روایات سبب نزول و تاریخ است؛ گویا اینکه خداوند با تغییر ساختار و ماهیت مفاهیم در دیسکورس گفتاری، آن‌ها را در دیسکورس متنی قرآن تثبیت کرده است.

۳. دلالت‌های متنی قرآن، نامحدود و بی‌پایان‌اند و اساساً فرض محدود بودن مستقیم دلالت آیات قرآن بر مراد خداوند در دیسکورس‌های گفتاری، با توجه به جهان‌شمولی، فرازمانی و فرامکانی بودن دلالت آیات باطل است.

۴. بر خلاف دیسکورس گفتاری که در آن گفت‌وشنود و دیالکتیک میان مؤلف و مخاطب اصل است، در دیسکورس متنی قرآن، نه خداوند به عنوان فرستنده و مؤلف متن حضور دارد و نه انتقال پیام از طریق دیالکتیک مستقیم میان مؤلف و مخاطب صورت می‌گیرد. در صورت وجود ابهام در کلام خداوند، این دیسکورس متنی است که به کمک دلالت‌های زبانی، پاسخ‌گوی ابهام است.

۵. مخاطبان عصر نزول قرآن، تنها گروه مخاطبان قرآن نیستند. قرآن کریم مخاطبان نامحدود دارد و هر کسی می‌تواند با خواندن متن قرآن، مخاطب آن قرار گیرد و وارد گفتگو و دیالکتیک با آن شود، در حالی که در دیسکورس‌های گفتاری، مخاطبان محدود به مخاطبان درون دیسکورس‌اند.

۶. با توجه به جهان‌شمول بودن پیام هدایتی آیات قرآن کریم، فرض اعتقاد به گفتاری بودن دیسکورس قرآن، مستلزم اعتقاد به از بین رفتن بخش مهمی از معنا و تحریف معنوی جدی قرآن است. همچنین این اعتقاد، با این فرض همراه است که خداوند کاری خلاف حکمت انجام داده است؛ بدین معنا که خداوند آخرین پیام آسمانی خود را به گونه‌ای فرو فرستاده که از همان ابتدا بخشی از این پیام از بین رفته و هدایت به صورت ناقص در اختیار عموم مردم جهان (به جز مخاطبان اولیه) قرار گرفته است.

بر این اساس، با توجه به انطباق بیشتر ویژگی‌های زبان قرآن با شاخصه‌های دیسکورس نوشتاری، به نظر می‌رسد که زبان قرآن نوشتاری است.

کتاب‌شناسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابوزید، نصر حامد، *التجديد والتحریم والتأویل بین المعرفة العلمية والخوف من التكفير*، بیروت، المركز الثقافي العربي، ۲۰۱۰ م.
۳. احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن*، چاپ نهم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۶ ش.
۴. ارکون، محمد، *اسلام دیروز و امروز (نگرشی نوبه قرآن)*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۵. ارکون، محمد، *الشکر الاسلامی؛ نقد و اجتهاد*، ترجمه و تعلیق هاشم صالح، چاپ پنجم، بیروت، دار الساقی، ۲۰۰۹ م.
۶. ایازی، سیدمحمدعلی، «نقدی بر نظریه گفتاری بودن زبان قرآن»، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ ش.
۷. پورحسن، قاسم، *هرمنوتیک تطبیقی: بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۸. تاجیک، محمدرضا، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹ ش.
۹. حسینی، سیدحمیدرضا، *عوامل فهم متن در دانش هرمنوتیک و علم اصول استنباط از دیدگاه پل ریکور و محقق اصفهانی*، تهران، هرمس، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. خلجی، مهدی، *نقد آقای محسن آرمین و پاسخ آقای مهدی خلجی*، قابل دستیابی در وبگاه <http://taleeah.af/?articlecontent=941>.
۱۱. دریفوس، هیوبرت و پل رابینو، *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. زمانی، محمدحسن، *مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمان، *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. شعیری، حمیدرضا، *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*، تهران، سمت، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. صبحی صالح، *مباحث فی علوم القرآن*، چاپ پنجم، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
۲۱. غازی، عنایه، *اسباب النزول القرآنی*، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.
۲۳. معرفت، محمدهادی، *تفسیر اثری جامع*، ترجمه جواد ایروانی، قم، التمهید، ۱۳۹۰ ش.

۲۴. همو، *شبهات وردود حول القرآن الکریم*، تحقیق مؤسسه التمهید، قم، التمهید، ۱۴۲۳ ق.
۲۵. مک دائل، دایان، *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. نکونام، جعفر، «پاسخ نقدی بر مقاله زبان قرآن گفتاری یا نوشتاری»، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، شماره‌های ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ ش.
۲۷. همو، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران، هستی‌نما، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. همو، «زبان قرآن گفتاری یا نوشتاری»، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، شماره ۳، بهار ۱۳۷۹ ش.
۲۹. واحدی، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. واعظی، احمد، *درآمدی بر هرمنوتیک*، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. هوی، دیوید کوزنز، *حلقه انتقادی: ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی*، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ دوم، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۸ ش.

تَرْجَمُ حِكْمَهَا

موجز المقالات

النظرة التأملية على الأصول السياسية لنبينا محمد ﷺ في مواجهة أهل
الكتاب

□ غلامحسين أعرابي (أستاذ مشارك بجامعة قم)

□ حسن كاظمي نژاد (طالب دكتوراه في فرع التفسير المقارن بجامعة قم)

الأعمال السياسية من قبل نبينا محمد ﷺ كانت مبتنية على الأصول والضوابط المهمة. رغم هذه الأهمية لم يتوجه الباحثون إلى هذه المسألة بصورة جديرة. هذا التحقيق يبحث عن الأصول السياسية في أعمال وسيرة النبي ﷺ مع أهل الكتاب حتى تكون مستمسكة للمؤمنين في معاشرتهم مع أهل الكتاب. لهذا الهدف الخاص بحثت جميع سور القرآن الكريم خاصة الآيات المرتبطة إلى أهل الكتاب واستخرجت منها الأصول السياسية التالية: السلوك السلمي معهم؛ دعوتهم إلى الحق والتوحيد؛ الاجتناب من تحريضهم والنزاع معهم؛ النهي عن أعمالهم السيئة؛ الجهاد عليهم. وفي النهاية جعلت هذه الأصول واستناداتها في جدول قرآني بشكل بديع.

المفردات الرئيسة: الأصول السياسية المدونة، مواجهة نبينا محمد ﷺ مع أهل

الكتاب، أسلوب التعامل مع أهل الكتاب، أصول المواجهة مع أهل الكتاب.

«تحليل المحتوى النوعي في القرآن» كطريقة متخصصة في دراسة القرآن

□ عليّ عبدألهي نسياني

□ دكتوراه في فرع العدالة العامة بمركز بحوث الحوزة والجامعة

يعدّ تحليل المحتوى النوعي طريقة علمية صالحة لتحليل النصوص والمحتويات. هذه الطريقة العلمية تدرس بشكل منهجيّ من خلال القواعد المحددة، بعض أجزاء النصّ المحدد. ومع ذلك، لا ينظر تحليل المحتوى النوعي في المواقف والافتراضات الخاصة بالنصّ القرآنيّ. من المفترض أنّ نصوص القرآن ومحتوياته ليست مثل النصوص العادية الأخرى؛ وجميع التفاصيل يحتمل أن يكون لها بعض النقاط الخاصة للباحث. لذا فإنّ تحليل المحتوى النوعي يجب أن يأخذ في الاعتبار القواعد والخطوات الخاصة بدراسة القرآن. وعلاوة على ذلك، في الدراسات الإسلامية هناك بعض النصائح المقدّمة حول كيفية دراسة وفهم نصّ ومحتويات القرآن الكريم. في هذه الورقة في النظرة المقارنة إلى تحليل المحتوى النوعي المعتاد والنقاط المتخصصة المتعلقة بمنهجية دراسات القرآن، نفتح سلسلة من الخطوات المنهجية لاستخدام تحليل المحتوى النوعي في القرآن. تقدّم هذه الورقة خطوات منهجية، وتشرح هذه الخطوات من خلال أمثلة لأبحاث حقيقية في الدراسات السلوكية التي تتمّ بهذه الطريقة.

المفردات الرئيسية: القرآن الكريم، تحليل المحتوى النوعي، المنهج العلمي، النماذج الوصفية للسلوك البشريّ.

الفساد الأخلاقيّ؛ نظرة قرآنية

□ هادي صادقيّ (أستاذ مشارك بجامعة القرآن والحديث)

□ وحيد پاشايي (أستاذ مساعد بجامعة بوعلی سینا بهمدان)

إنّ عرض وجهات النظر المشتركة حول الفلسفة الأخلاقية في القرآن والحديث كمصادر رئيسية للفكر الإسلاميّ، ومزيج من هذه الآراء مع أسس ومصادر هذه الموارد، يمكن أن يكون في الوقت نفسه، جزءاً من صياغة النظرية الأخلاقية للإسلام. في هذا

المقال، تمّ بحث نظرية الأناثية الأخلاقية كأحد النظريات في مجال الأخلاق المعيارية من خلال تقديم القرآن الكريم. يبدو أنّ معظم الآيات القرآنية في مجال الأخلاق لها مظهر أنانيّ، فتقنع الإنسان بالاستفادة من الحياة الآخرة، مثل الوصول إلى الجنة، الرضوان الإلهي، الفلاح و...، لكن لا تزال هناك آيات أخرى يمكن أن توجد ضدّ الأناثية الأخلاقية، وهذا يدلّ على أنّ النظرية الأخلاقية للإسلام، المستندة إلى آيات قرآنية، لا تلخص فقط، ومن الضروريّ الحصول على نظرة شاملة على آيات القرآن الكريم ومصادر أخرى، من حيث ما تنطوي عليه النظرية الأخلاقية للإسلام.

المفردات الرئيسية: الأناثية الأخلاقية، النظرية الأخلاقية الإسلامية، والأخلاق، والأناثية النفسية.

استعراض الاتجاه الفلسفيّ لابن سينا في تفسير سورة الإخلاص (التوحيد)

- أبو القاسم خوشحال (طالب دكتوراه في فرع تدريس المعارف الإسلامية بجامعة فردوسيّ بمشهد)
- عليرضا نجف زادة تربتي (أستاذ مساعد بجامعة فردوسيّ بمشهد)
- حسن نقى زادة (أستاذ بجامعة فردوسيّ بمشهد)
- سيّد حسين سيّد موسويّ (أستاذ مشارك بجامعة فردوسيّ بمشهد)

قد فسّر ابن سينا سورة الإخلاص المباركة، التي تعرف أيضًا باسم التوحيد، وذلك باستخدام المفاهيم والمصطلحات الشائعة في الفلسفة، معتمداً على القواعد الفلسفية والأسلوب البرهانيّ القويم. هو ينظر إلى هذه السورة التي مدار بحثها معرفة الله والتوحيد، كنصّ فلسفيّ دقيق. هو يرى نظاماً وترتيباً عقلياً ليس بين آيات هذه السورة فقط، بل المسألة أعلى من ذلك، يرى هذا النظام العقلانيّ بين الكلمات المستخدمة فيه ولذلك يبحث عن دليل ظهور أيّ كلمة في ما قبله. هو من خلال الاعتماد على المبادئ العقلية التي استحصل عليها في الفلسفة الأولى، يبذل كلّ جهوده في نصّه التفسيريّ للكشف عن النظام العقلانيّ الدقيق الذي يدعى وجوده بين الكلمات والآيات في هذه السورة المباركة. أما نحن في هذا المقال نقوم بتحليل طريقة ابن سينا التفسيرية من سورة الإخلاص والقواعد العقلانية التي استخدمها في تعرّف ذات الحقّ وتعريفها وتعرّض بتقييم نجاح الاتجاه الفلسفيّ في تفسير أغراض هذه السورة متوجّهاً إلى الآية الأولى التي

تترکّز في تعريف الله، وسوف نعرف مدى الاتصال والتطابق بين العقل والشرع في تفسير هذه السورة المباركة.

المفردات الرئيسية: ابن سينا، هو، الله، الإله، أحد، واجب الوجود، سورة الإخلاص.

اللغة المكتوبة للقرآن موازنة بخصائص الخطاب المنطوق والمكتوب

- محمّد مهديّ آجيليان مافوق (طالب دكتوراه في فرع علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسی بمشهد)
- عباس إسماعيلي زادة (أستاذ مشارك بجامعة فردوسی بمشهد)
- سيد كاظم طباطبائي پور (أستاذ بجامعة فردوسی بمشهد)

في هذا المقال، تمّت موازنة خصائص اللغة القرآنيّة بخصائص الخطابات المنطوقة (المحكّية) والمكتوبة، وتمّ تقويم عقيدة كون لغة القرآن شفهيّة. حسب رأي هؤلاء حيث أنه يمكن تطبيق أكثر السمات الأسلوبية للخطابات المنطوقة (المحكّية) على القرآن مثل التكرار، الالتفات، عدم التناسب والتنوّع الموضوعيّ يجب الحكم بأنّ لغة هذا الكتاب المقدّس منطوقة وشفهيّة. خلافاً لهذا الرأي، كتاب المقال يعتقدون أنّه من أجل الحكم على كون لغة القرآن منطوقة أو مكتوبة، ينبغي النظر في عمليّة تبلور النصّ القرآنيّ وإنتاجه. تبعاً لهذا، أوضح المؤلفان في هذه المقالة من خلال دراسة خصائص الخطابات المنطوقة والمكتوبة وموازنتها بخصائص لغة القرآن الكريم، أنّ ملامح القرآن لا تتلاءم مع خصائص الخطابات المنطوقة وأنّ القرآن الكريم قد تبلور في خطاب مكتوب، ومن ثمّ لغته مكتوب أيضاً.

المفردات الرئيسية: لغة القرآن، اللغة المنطوقة (المحكّية) للقرآن، اللغة المكتوبة للقرآن، خصائص الخطابات المنطوقة والمكتوبة.

جنس حروف القرآن وعلاقته بالمعنى

- أبو الفضل خوش منش
- أستاذ مشارك بجامعة طهران

هنالك دراساتٌ تمّ إجراؤها حول الترابط بين اللفظ والمعنى خاصّة في صعيد الشعر في الدراسات الأدبيّة للألسنة البشريّة. وهنالك دراسات مماثلة حول لغة القرآن الكريم،

لكن هنالك نقطة قلّ الاعتناء بها وهي قضية فيزياء الحروف ودورها في إفادة هذه المعاني ودراسة الاشتراكات الموجودة في هذا الصعيد بين اللسنة المختلفة والدور الأساسي للفطرة الإنسانيّة كالمبنى المشترك للإدراك في تلقى المعاني. هذا المقال يتحدّث عن القرآن الكريم ككتاب الفطرة الإنسانيّة ويدرس إفادته المعنى لشتّى المستمعين من مختلف اللغات. المقال يعتنى لفيزياء الصوت وأثرها في إيجاد وإحياء المعنى في اللغات المختلفة، ثمّ يؤكّد على تحليل الأصوات القرآنيّة بصورة علميّة وتقويم المعطيات وأثرها على إفادات المعاني القرآنيّة.

المفردات الرئيسيّة: لغة القرآن، فيزياء الصوت، غناء القرآن، موسيقى القرآن، ائتلاف اللفظ والمعنى في القرآن.

دراسة الرموز لفنّ التعليق في قصص القرآن الكريم

□ حسينعلّي تركمانى (أستاذ مساعد بجامعة بوعلّى سينا بهمدان)
 □ مجتبي شكورى (طالب دكتوراه في فرع علوم القرآن والحديث بجامعة بوعلّى سينا بهمدان)

التعليق هو أسلوب في رواية القصص التي تخلق التعاطف والقلق في الجمهور لمواصلة القصة. الهدف من التعليق في القصة، هو زيادة جاذبيّة وتمتدّ القصة ومرافقة الجمهور مع القصة. رواية القصص واحدة من التقنيّات المستخدمة في كثير من الأحيان في القرآن الكريم. أثبت بعض الباحثين استخدام هذه التقنيّة في القصص القرآنيّ، ولكن ليس محاولة لتصنيف أنواع التعليق في القرآن الكريم. هذه الرسالة في منهج تحليليّ، يشرح أنواع مختلفة من التعليق في القرآن الكريم من خلال استكمال النماذج لتصنيف وإعطاء بعض الأمثلة لكلّ. في نهاية المطاف، فإنّ النتيجة هي أنّ أنواعاً مختلفة من التعليق مستخدمة في قصص القرآن الكريم، فضلاً عن تقنيّة تستخدم أيضاً في سور غير روائية.

المفردات الرئيسيّة: التعليق، القصص القرآنيّ، سحر القرآن، السرديات، جيران جينت.

تصنيف توجيه القراءات الشاذّة في المحتسب لابن جنّي

□ مرتضى إيروانى نجفى (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى بمشهد)
 □ مرتضى سلمان نژاد (طالب دكتوراه في فرع علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسى بمشهد)

استأثر علم القراءات القرآنية وهو أحد علوم القرآن التي تُعدّ أغنى موروث قرآنيّ ثقافيّ في القرون الهجرية الأولى بحصّة كبيرة. وبمراجعة كتب الفهارس يمكن مشاهدة مئات المؤلفات في هذا الموضوع دُوّنت في هذه الفترة الزمنية «توجيه القراءات» الذي يُعتبر أحد هذه العلوم كان في خطواته الأولى في ثنايا بقية المؤلفات القرآنية. ولكنّه بدأ بالاستقلال في نهاية القرن الثاني من الهجرة. وإلى جانب القراءات المشهورة التي كانت موضوع بحث علماء المسلمين وتحقيهم بدأ علم «توجيه القراءات الشاذّة» - كفرع علميّ جديد- بالظهور في القرن الرابع. وقد أُلّفَت في ذلك كتب خاصّة. ويمكن اعتبار المحتسب في تبيين وجوه شواذّ القراءات والإيضاح عنها لابن جنّي من أوّل الكتب التي أُلّفَت في توجيه القراءات الشاذّة وأهمّها. وقد قام كاتبها المقالة باستقراء توجيهات القراءات الشاذّة التي وردت في هذا الكتاب، ثمّ صنّفها محاور هذه التوجيهات. والمحاور التي تمّ رصدتها هي التوجيه: على أساس القراءات السبع، على أساس بقية القراءات الشاذّة، أحاديث الرسول الأكرم ﷺ، الشعر، لهجات القبائل العربية، الأمثال، القياس وسياق الآيات.

المفردات الرئيسة: القرآن، توجيه القراءات الشاذّة، المحتسب لابن جنّي، ابن مجاهد.

دراسة الشبكة الدلالية لحرف «على» في القرآن الكريم في ضوء نهج الدلالة الإدراكية

- مريم توكل نيا (ماجستير في فرع علوم القرآن المجيد)
- وليّ الله حسوميّ (أستاذ مساعد بجامعة سيستان وبلوچستان)

كلمة «على» هي واحدة من النصوص العربية المستخدمة في العديد من الحالات في القرآن الكريم. يعبر هذا البيان بالمعنى السابق لما قبله عن مفهوم التفوق. لكن كلّ استخدامات هذه الكلمة في القرآن لا تقتصر على هذا المعنى المركزيّ. وقد دخلت في مجالات دلالية جديدة مع أنسجة وأساليب مختلفة. تستخدم هذه الورقة طريقة وصفية تحليلية وتستخدم مبادئ الدلالات المعرفية لفحص تطبيقات هذا البيان في القرآن من أجل تقديم تحليل ذي معنى لمعانيها. لذلك استنادًا إلى مبادئ الدلالة المعرفية، تمّ

تحديد المعنى الأساسى لحرف «على» لأول مرة، ثم تمّ فحص جودة تمديد هذا المعنى المركزى. ووفقاً للدراسات، فإنّ هذه الكلمة بمعناها المركزى، من خلال الاستعارة والخطط، دخلت في مجالات مفاهيمية جديدة وأنشأت شبكة من المعانى المختلفة. في تشكيل هذه المعانى، تلعب العوامل وتغييرات الأنسجة دوراً مهماً.

المفردات الرئيسة: علم الدلالة المعرفية، حرف «على»، الاستعارة، الخطط.

دراسة تأثير البلاغة على نقل الرسالة فى قصة بنى إسرائيل فى القرآن

- على رضا شماليّ (طالب دكتوراه فى فرع علوم القرآن والحديث بجامعة مازندران)
- سيّد على أكبر ربيع نتاج (أستاذ مشارك بجامعة مازندران)
- محسن نورائى (أستاذ مساعد بجامعة مازندران)

أحد جوانب إعجاز القرآن وفقاً لمعظم العلماء المسلمين وشهادة كثير من العلماء غير المسلمين هو فصاحة القرآن وبلاغته. فى الحين، قصة بنى إسرائيل إحدى القصص الهامة فى القرآن و مليئة بالنقاط الأخلاقية والتربوية التى وردت فى العديد من السور القرآنية. والسؤال أن ما هو تأثير استخدام الفنون والصنائع البلاغية على إرسال الرسالة أو المضمون خاصة فى قصة بنى إسرائيل فى القرآن. يدرّس هذا المقال بالمنهج الوصفى والتحليلى دور هذه الفنون والصنائع فى بعض الآيات المرتبطة بقصة بنى إسرائيل فى القرآن. دراسة هذه الآيات تبين أن القرآن استخدم الفنون والصنائع البلاغية بصورة إعجازية لإيصال الرسالة والمضمون إلى المخاطبين بأبلغ شكل وأكثر تأثير. استخدام هذه الفنون والصنائع تضاعف جمال ولطافة وتأثير الرسائل القرآنية أضعافاً مضاعفة. يمكن أن نفهم من الأسلوب المستفاد فى القرآن أن استخدام الفنون والصنائع الأدبية والبلاغية خاصة فى تبين الأمور الأخلاقية والتربوية يضاعف كثيراً تأثير الكلام على المخاطبين ويسهل فى تلقّيهم التعاليم الأخلاقية.

المفردات الرئيسة: القرآن، البلاغة، الرسالة، موسى، بنى إسرائيل.